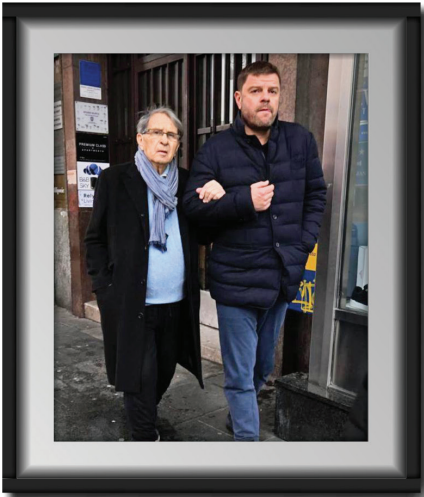


چائو چیرو

بلاژیوچ حریف سومین سرطان نشد



چیرو (میروسلاو) بلاژیوچ سرانجام پس از مدت‌ها دست‌وپنجه نرم کردن با سرطان پروستات و در فاصله ۲روز مانده به تولد ۸۸سالگی‌اش، در شهر زاگرب در گذشت. این مربی جهانی که معمار فوتبال کرواسی بود و کروات‌ها را به مقام سومی جام جهانی ۱۹۹۸ رساند، عاشق سارا یوو و بوسنی بود و دوست داشت مربیگری را در ایران تمام کند. ایران را وطن دوم خودش می‌دانست و ریشه کروات‌ها را به خرابات و منطقه بینالود خراسان مربوط می‌دانست. او پس از پیروزی ۲بر صفر بر ایران در دیدار دوستانه پیش از جام جهانی ۱۹۹۸ گفته بود اگر یوگسلاوی (همگروه ایران) بتواند ایران را ببر، یک توپ فوتبال را قورت می‌دهد که این اشاره داشت به یک ضرب‌المثل انگلیسی به‌معنای «اسم را عوض می‌کنم اگر...». روزنامه‌های ورزشی ایران وقتی بلاژیوچ سرمربی تیم ملی‌اش شد، بارها این وعده را به روی او آوردند و از این سرمربی که آن زمان به‌اشتباه او را بلاژیوچ یا شیرو می‌خواندند، خواستند به وعده‌اش عمل کند و توپ واقعی را قورت بدهد چون یوگسلاوی با تک‌گل مرحوم میهیل‌بویوچ توانسته بود ایران را در جام جهانی شکست دهد.

■ او اعلام کرده بود که در مورد تیم‌ ملی ایران و همچنین بازی با بحرین کتابی نوشته که بعد از مرگش منتشر خواهد شد. احتمالاً در کتابش به خیلی‌ها از جمله خداداد عزیزی، یک روزنامه‌ورزشی ایرانی، پرویز برومند، هاشمی‌نسیب و چند بازیکن دیگر که علیه او کار می‌کردند یا حرف می‌زدند یا می‌نوشتند، حمله کرده است. یک مستند هم از زندگی‌اش ساخته و پخش شد. ایرنا اسکورپج، کارگردان این مستند، درباره بخشی از فیلمش که مربوط به صحبت‌های بلاژیوچ درباره مرگش است، توضیح داده بود: «او به من گفت که می‌دانی دوست دارم زمانی که مردم در مراسم تشییع جنازه‌ام چه بگویند؟ فقط یک جمله؛ هنوز در حال حرکت است.»

■ در تایستان که بیماری‌اش پیشرفت کرده بود، از زندگی ناامید بود و خودش را برای زندگی ابدی آماده می‌کرد. چیرو آن زمان گفت: «من همیشه به این موضوع فکر می‌کنم که دورانم به سر آمده و آرام‌رام در حال ترک این دنیا هستم. دوستانم، بازیکنان هم‌نسل من همگی مدت‌ها پیش از دنیا رفته‌اند. فقط من زنده هستم.» همان زمان درباره گذشته‌اش و مادرش هم

■ چیرو به معنی قطار سریع‌السیر است. ■ چیرو در سال ۲۰۱۴ و سن ۷۵سالگی، پس از سرمربیگری ماجراجویانه خود در چین، ایران، کرواسی و بوسنی اعلام بازنشستگی کرد. ■ بلاژیوچ در چندین کشور از جمله ایران، سوئیس، بوسنی، کرواسی، چین، صربستان/کوزوو، فرانسه، یونان، اسلوانی مربیگری کرد و یکی از رکوردداران تنوع کار در کشورهای مختلف بود. ■ کشورهای برگزای جام جهانی ۱۹۹۸ در فرانسه یک ژاندارم فرانسوی در درگیری با آشوبگران کشته شد و بلاژ

Miroslav Blazovic

از خواهرانم به من سپرده شد. او به موفقیت من ایمان داشت و همینطور هم شد. من از اینکه او از آسمان‌ها شاهد موفقیت من است آرام می‌شدم اما صادقانه باید بگویم که این تسکین زیادی نبود.» ■ او یک‌بار در گفت‌وگو با یک نشریه ورزشی در اروپا ادعا کرده بود سیستم ۵-۲-۳ را خودش ابداع کرده است. به چیرو لقب «مربی همه مربیان» را هم داده بودند. برخی دکتر کارلوس بیسلاردو را نفر اصلی در ابداع این روش دانسته‌اند و برخی می‌گویند فرانتس بکن‌یائوئر آن را تکمیل کرده و در سال ۱۹۸۶ ارائه داده است؛ یعنی همان سالی که آرژانتین بیلاردو با استفاده از همین روش قهرمان جهان شد. ■ او تا ۳۱سالگی با پیراهن دینامو، لو‌کوموتیو، سارایوو، ریژکا و در نهایت سیون فوتبال بازی کرد و سپس تصمیم گرفت در موتیه سوئیس مربی شود. او در سوئیس ماند و هدایت تیم ملی این کشور را برعهده گرفت اما صعود او در سال ۱۹۹۷ آغاز شد؛ زمانی که او به ریگا آمد و با این تیم به یک چهارم نهایی جام برندگان جام رسید. چیرو در دسامبر ۱۹۸۰ دعوت به دینامو را پذیرفت و تا تابستان ۱۹۸۳ سرمربی این تیم بود و در سال ۱۹۸۲ برای اولین‌بار پس از ۴سال عنوان قهرمانی یوگسلاوی را به دینامو آورد. با بوسنی تا آستانه جام جهانی ۲۰۱۰ رفت اما در دیدار پلی‌آف در مجموع ۲بر صفر را برتغال شکست خورد و پس از آن استعدادها؛ همان سناریویی که پس از شکست ۲بر یک ایران برابر ایرلند در پلی‌آف سال ۲۰۰۲ تکرار شد. ■ چیرو بعدها هدایت تیم ملی تازه متولدشده کرواسی را در دست گرفت و با این تیم در یورو۹۶ به‌ناحق حذف شد. ستاره‌های دست‌پروده او مثل بوبان، داوور شوکر و دیگران تلاقی آن یورو را در جام جهانی ۱۹۹۸ درآوردند و تا نیمه‌نهایی پیش رفتند. او پس از کسب

مقام سومی جام جهانی به ایران آمد و پس از ناکامی در رساندن تیم ملی به جام جهانی ۲۰۰۲ با وجود داشتن پیشنهاد تمدید قرارداد از کشورمان رفت. اگر ماجرای کشک‌بادمجان گیت نبود، شاید با تیم ملی ایران در جام جهانی نتیجه می‌گرفت. در حالی که ایران برای صعود به یک پیروزی در زمین بحرین نیاز داشت، ملی‌پوشان مثل همیشه ظاهر نشدند و در نهایت بازیکنان بحرین با پرچم عربستان که به جای‌ما صعود کرده بود، رقصیدند. بعدا گفته شد علت بدبودن تیم غذاهایی بود که پیش از بازی خوردند از جمله کشک‌بادمجان که در شکست ۳بر یک از بحرین بی‌تأثیر نبود. چیرو یک‌بار هم ۱۱سال پیش به ایران برگشت و سرمربی مس کرمان شد که دور‌ماش کوتاه بود. ■ بین مربیان کروات همیشه رقابتی وجود داشته. استانکو بوکله پوویچ دیگر سرمربی کروات سابق تیم ملی ایران معتقد بود رابطه نزدیک بلاژیوچ با توجمان، رئیس‌جمهور کرواسی در دهه ۹۰، باعث شد تا این مربی مدت بیشتری هدایت تیم ملی این کشور را برعهده داشته باشد. استانکو درباره توجمان گفته بود: «من یک‌بار به او گفتم که او چیزی در مورد فوتبال نمی‌داند و او از این حرف خوشش نیامد. او تر جیح می‌داد افرادی مانند چیرو بلاژیوچ که هرگز حرفی در مخالفت با او نمی‌زدند، اطرافش باشند. البته بلاژیوچ همچنین مرد دینامو و عضو حزب سیاسی توجمان، HDZ بود، بنابراین رئیس‌جمهور او را برای این کار مناسب‌تر می‌دانست.» بلاژیوچ تا سال ۲۰۰۰ به‌عنوان عضو از سیاستون HDZ باقی‌ماند اما مخالفت‌های عمومی و روی کار آمدن ایوو سانادر، از این حزب خارج شد. او ۵سال بعد به‌عنوان کاندیدای مستقل در انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کرد و ۴سال بعد بار دیگر به حزب HDZ برگشت.

■ غیر از برانکو (در کرواسی و ایران) هرگز دستگیری تکراری در ۲تیم مختلف نداشت. دستیارانش را همیشه پروفیسور یا استاد خطاب می‌کرد. ■ از اینکه بی‌اشی همیشه قرمز می‌شد، ناراحت و معذب بود. ■ متولد ترانویک در خانواده‌ای بوسنیایی – کروات بود. ■آبرادش در دوران جنگ جهانی دوم، عضو یک جنبش فاشیستی بودند که در آن زمان در کرواسی فعالیت گسترده‌ای را شروع کرده بود. آنتو و یوسو بلاژیوچ به‌دلیل همین فعالیت‌ها و درگیری‌های موجود کشته شدند.

با استفاده از فرصت، کلاه این ژاندارم را با خود به ورزشگاه می‌آورد، بر سر می گذاشت یا جلوی نیمکت تیم ملی کرواسی قرار می‌داد. ■ بلاژیوچ در سال‌های اخیر درگیر بیماری سرطان بود و مرگ خود را از خدا درخواست کرده بود و می‌گفت بدترین دردی است که تجربه کرده است. ■ هیچ وقت سیگاراش را تا ته نمی‌کشید و آن را نصفه و نیمه خاموش می‌کرد تا زاین بیشتری برایش نداشته باشد. ■ همیشه از یک نوع ادکلن استفاده می‌کرد. ■ عاشق رنگ قهوه‌ای بود.

➔ **چلنگر گفته بود که بلاژیوچ زمانی که به ایران آمد هم سلطان داشت: «بلاژیوچ وقتی در ایران بود سلطان داشت. سال ۹۸، قبل از جام جهانی فرانسه فهمید به سلطان پروستات مبتلا شده. بعد**

از مسابقات می‌خواست همانجا جراحی کند، ولی پزشکان فرانسوی گفتند خطرناک است. به تیریش رفت و آنجا عمل جراحی شد. همه می‌دانند سلطان چقدر بیماری مرموز و عجیبی است. وقتی آمد تهران، حالش خوب بود، ولی سلطان به بخشی‌های دیگری از بدنش زده بود. دکتر‌ها گفتند سیکار نکش، ولی می‌کشید. می‌گفتند صبی نشو، ولی می‌شد. خیلی هیجان داشت. دیوانه فوتبال بود. می‌گفت ارزشش را دارد.»

چیرو و چشم‌های تیزبین

چرا میراسلاو بلاژیوچ را دوست داریم؟ شاید به این خاطر که کارهای او در فوتبال، فراتر از وظایف ذاتی یک مربی به‌نظر می‌رسیدند. پشت آن عینک، همیشه نگاه تیزبینی برای کشف استعدادهای تازه و استقبال از آنها وجود داشت. او چنان به بازیکنان تیشم اعتمادبه‌نفس می‌داد که وقتی به زمین می‌رفتند، آماده جابه‌جا کردن گوه بودند. او چنان بافوتبال عجین شده بود که جایی‌ای آن‌دو از هم، غیرممکن به‌نظر می‌رسید. چرا میراسلاو بلاژیوچ را دوست داریم؟ شاید به این خاطر که تماشای کرواسی در جام جهانی ۹۸، دیدگاه خیلی‌ها را نسبت به فوتبال عوض کرد. او برای تیمش و برای کشورش، احترام زیادی خرید. او کاری کرد که در کرواسی، مردم به‌اندازه فوتبالیست شدن، به مربی شدن هم علاقه پیدا کنند. فوتبال در کرواسی، بیشتر از هر چیزی با این مربی تعریف می‌شد؛ با این ذهن زیبا و البته منظم. او برخلاف خیلی از هموطنانش، درگیر یک خونسردی همیشه‌گی نبود. او شور و اشتیاق عجیبی برای فوتبال داشت و کنار زمین، همه چیزش را برای تیم خرج می‌کرد.

دانستان چیرو و فوتبال ایران اما، به یک حسرت بزرگ گره خورد. تیم، او یکی از دوست‌داشتنی‌ترین تیم‌های ملی فوتبال ایران بود. تر کبیی از ستاره‌های پر تجربه و مهره‌هایی چون مثل رحمان رضایی و جواد نکونام که با تصمیم او به تیم ملی ملحق شده بودند. او هراسی از جوان کردن تیم ملی ایران نداشت و آماده بود تا نسل جدیدی برای این فوتبال بسازد. او خوب می‌دانست که چطور ستاره‌های کلیدی تیم ملی را در بهترین فرم ممکن قرار بدهد. در این دوران، نتایج دلچسبی هم برای تیم ملی به‌دست آمد. هنوز خیلی‌ها فراموش نکرده‌اند که روبه‌روی عربستان در تهران، چقدر کوبیده و مهلا نشدنی بودیم. هنوز خیلی‌ها از یاد نبرده‌اند که وقتی هنوز صدام و پسر‌ها در عراق حکومت می‌کردند، چطور در آن جو سخت هواداران تیم میزبان را به سکوت دچار کردیم. آن تیم، سزاوار رسیدن به جام جهانی بود اما یک شب تلخ در منامه، همه چیز را خراب کرد؛ شبی نفرینی که مسیر دشواری برای تیم ملی ساخت. حتی با وجود آن اتفاق تلخ اما، تیم ملی دوباره بلند شد و امارات را کنار زد؛ تیمی که در دوبلین، مجموعه‌ای باورنکردنی از موقعیت‌های گل عالی را دست داد تا پیروزی‌اش روبه‌روی ایرلند در آزادی هم، راه صعود به جام را نشانش ندهد. این پایان ناز‌ایک مردی بود که حتی در روز شکست هم دوستش داشتیم؛ که خوب می‌دانستیم منتقدان افراطی‌اش، چیز زیادی از فوتبال نمی‌دانند. غیرمنصفانه است اگر دوران حضور بلاژ در فوتبال ایران را تنها به این حسرت گره بزنیم. او عصر جدیدی برای تیم ملی ساخت و حتی وقتی از این تیم جدا شد، دستیارش را در ایران گذاشت؛ دستگیری که بعدها تیم ملی را به رقابت‌های جام جهانی رساند تا رویای بزرگ چیرو را برآورده کرده باشد. در همه این سال‌ها او از راه دور، چهره محبوب و دوست‌داشتنی هواداران فوتبال در ایران بوده؛ مردی که اتفاقاً یک‌بار هم به ایران برگشت اما دیگر آن اقتدار دوران میانسال‌ی‌اش را نداشت. او در چند سال اخیر، رقابت سختی را با سلطان شروع کرد. سلول‌های سرطانی به اندام‌های مختلفی از بدنش حمله‌ور شدند و برخلاف فوتبال، این‌بار دیگر خبری از یک شگفتی بزرگ نبود. مرگ برای چیرو، یابانی بر رنج‌های طولانی و مداوم سلطان بود. مردی که محال است در کرواسی و ایران، فراموش شود. مردی که انگار هنوز لب خط ایستاده تا آخرین توصیه‌های لازم را به شاگرد زانش منتقل کند. او چهره‌ای نیست که از حافظه هواداران فوتبال برود. تصویری که از او در ذهن‌ها مانده، محو‌نشدنی به‌نظر می‌رسد.

به کشورش برگشت. او به قدری ناامید بود که بدون هماهنگی به عربستان برگشت و بعدها با پادرمیانی مدیران فدراسیون فوتبال این کشور مشکل حقوقی برایش پیش نیامد. سالم الدوساری ۲پنالتی به فلامینگو زد و یک پاس گل داد و قهرمان این مسابقه بود. او ۲گلی که در این بازی به ثمر رساند به رکورد ۴گل زده در ۸ مسابقه‌اش در جام باشگاه‌های جهان رسید تا یک عنوان دیگر را در فوتبال عربستان برای خود کند و به نخستین بازیکن آسیایی تبدیل شود که در ۳دوره این مسابقات پایش به گل باز می‌شود. او در جام جهانی هم به لهستان کمک کرده بود تا به عنوان تیم دوم گروه صعود کند چون در دقایق پایانی به مکزیک گل زد و این تیم را از راهیابی به مرحله حذفی محروم کرد.

گل زده و تنها شکست یاران مسی در این رقابت‌ها را به آنها تحمیل کرده بود، قهرمان این مسابقه هم بود. او ۲گل از ۳گل الهلال را وارد دروازه حریف برزلی کرد. الدوساری در لیگ قهرمانان آسیا پرسپولیس را هم خیلی اذیت کرده بود. پس از عصر عبدالرحمن که خودش را در حد یک ستاره بین‌المللی در العین معرفی کرد اما به دلیل مصدومیت به فراموشی سپرده شد، در سال‌های اخیر سابقه نداشته بازیکنی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس تا این حد بدرخشد. سالم حتی در سال ۲۰۱۸ دور‌های کوتاه و اجباری را در باشگاه وبارنال در لالیگاسیری کرده بود اما تنها ۳۳دقیقه و در بازی تشریفاتی هفته آخر مقابل رئال مادرید به میدان رفت و روی گل زیردربی‌ها تأثیر گذاشت اما به این دلیل که بازی به او نمی‌رسید

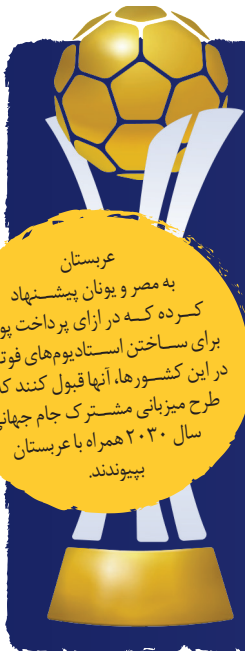
صعود الهلال عربستان به فینال جام جهانی باشگاه‌ها را باید در راستای پیشرفت و سرمایه‌گذاری اخیر سعودی‌ها ارزیابی کرد. عربستان که برای میزبانی جام جهانی ۲۰۳۰ باید با ۴میزبان مشترک آمریکای لاتین (آرژانتین، اروگوئه، پاراگوئه و شیلی) رقابت کند، در سال‌های اخیر توجه زیادی را معطوف فو تبال کرده که آخرین نمونه‌های آن را می‌توان همین پیروزی ۲بر ۲الهلال بر فلامینگوی برزیل در نیمه‌نهایی جام جهانی باشگاه‌ها، جذب کریستیانو رونالدو توسط باشگاه النصر، خرید باشگاه نیوکاسل انگلیس، پیروزی تیم ملی این کشور بر آرژانتین قهرمان جام جهانی اخیر و تلاش برای جذب ستارگان دیگری مثل مسی، مودریچ و بنزما دید. سالم الدوساری که در جام جهانی به آرژانتین

گل‌های سالم

ستاره فوتبال دنیای عرب هرروز بیشتر می‌درخشد



سالم شادی گل معروفی دارد که شبیه شادی گل گنبری است که کره بادام‌زمینی به نان تست می‌مالد. با این تفاوت که بعد از گلزنی قهوه عربی را با دست‌هایش هم می‌زند.



عربستان به مصر و یونان پیشنهاد کرده که در ازای پرداخت پول برای ساختن استادیوم‌های فوتبال در این کشورها، آنها قبول کنند که به طرح میزبانی مشترک جام جهانی سال ۲۰۳۰ همراه با عربستان بپیوندند.